

دفاع از مظلوم

فقط دیکته ی نا نوشته غلط ندارد

غلامرضا سلامی

ابراهیم نعمت پزوه^۳ در مجله‌ی حسابدار شماره‌ی ۱۵۰ به چاپ رسید که اگر چه جای بسی خوشبختی است ولی دلگیری بخشی از مدیریت سازمان حسابرسی غیرمنتظره بود زیرا نه در این مقاله و نه در تمام سال‌های گذشته هرگز زحمات عزیزانی را که با تحمل موارث‌های زیاد امر حسابداری و حسابرسی را برای بخش بزرگی از اقتصاد ایران جا انداخته‌اند و فرایند حسابداری، حسابرسی و پاسخ‌گویی را برای مدیریت دولتی و عمومی تا حدی الزامی کرده‌اند، نادیده پنداشته‌ایم. و از آن هم مهم‌تر زحمات دسته‌ای دیگر از این عزیزان در انتشار نشریات وزین و پربار و استانداردهای حسابداری و حسابرسی و موازین اخلاق حرفه‌ای بر هیچ یک از دست‌اندرکاران انجمن پوشیده نیست.

متأسفانه برای بعضی از دوستان این توهم به وجود آمده است که اگر کسانی از انحصارات و مدیریت دولتی انتقاد می‌کنند و آثار زیانبار آن را برای توسعه‌ی کشور بازگو می‌نمایند، قصد تخطئه‌ی مدیران دولتی و کارشناسان زحمت‌کش آن‌ها را دارند. ما اعتقاد داریم فعالیت‌های دولتی نه اثربخش است نه از کارایی لازم برخوردار است و به‌خصوص در آن اصلاً صرفه‌ی اقتصادی رعایت نمی‌شود ولی بسیاری مدبرانی که تا پای جان در راه انجام وظیفه تلاش می‌کنند.

دوستی که خیلی دوستش دارم در اجتماع تعدادی از حسابداران رسمی در مقابل انتقاداتی که از دولتی بودن حسابرسی در کشور شد، در دفاع از سازمان حسابرسی فرمود که در خلاء موجود در سال‌های پس از انقلاب سازمان حسابرسی توانسته است خدمات ارزنده‌ای ارائه کند و بنابراین روا نیست که از آن انتقاد بشود. در پایان این جلسه به طنز به آن دوست عزیز عرض کردم بهتر است اکنون نیز با انحلال جامعه‌ی حسابداران رسمی و الغای قانون مربوط همان خلاء را به وجود آوریم تا دوستان بتوانند به روال گذشته به ارائه‌ی خدمات ارزنده‌شان ادامه دهند.

این بحث که مثلاً در نبود بانک‌های خصوصی، بانک‌های دولتی منشاء خدمات عظیمی بوده‌اند و بدون آن‌ها در خلاء موجود، تداوم حیات اقتصادی کشور ممکن نبود، بحث

کسانی که مرا می‌شناسند می‌توانند گواهی دهند که در طول سال‌های متمادی که در متن و حاشیه‌ی حرفه‌ی حسابداری قرار داشته‌ام همواره از تفرقه‌افکنی در حرفه جلوگیری کرده‌ام، بحث‌هایی مانند تفوق اعضای انجمن‌های حرفه‌ای بین‌المللی بر دانش‌آموختگان ایرانی، تفاوت دانش‌آموختگان دانشکده‌ی شرکت نفت و موسسه‌ی عالی حسابداری و سایر موسسات عالی، جدایی اعضای انجمن حسابداران خبره‌ی ایران از حسابرسان سازمان حسابرسی و نظایر اینها مواردی بوده و هست که می‌تواند انسجام کل حرفه را به خطر اندازد. همیشه اعتقاد داشته‌ام هرکس که در این رشته تحصیل کرده و تجربه اندوخته است و تحصیل و تجربه‌ی خود را با رعایت شئون حرفه‌ای در خدمت به جامعه به کار می‌گیرد عضو ارزنده‌ی حرفه است اعم از این که عضو انجمن حسابداران خبره‌ی ایران باشد یا نباشد. امروز هم همین اعتقاد را با شدت بیش‌تری دنبال می‌کنم و اگر خدمت ناقابل‌ی چه در کسوت عضو انجمن و چه در لباس مسئولی در جامعه و چه در مقام همکاری برای سازمان، بتوانم انجام دهم، انجام خواهم داد و آن روزی که خدای ناکرده اعتماد اعضای حرفه را از دست بدهم به یقین روز پایان خواهد بود.

در این سال‌ها تا آن جا که توانسته‌ایم سعی کرده‌ایم مجله‌ی "حسابدار" یعنی ارگان رسمی انجمن را به دور از مقالات جنجال‌برانگیز و تفرقه‌آمیز، نگهداریم و به قضاوت خوانندگان آن در این کار توفیق کامل داشته‌ایم.

مقاله‌ی "بازخوانی اولین گام" آقای عبدالرضا تالانه^۱ را قبل از چاپ مطالعه کردم و هر چند با قسمت‌هایی از آن موافق نبودم ولی در این برهه از زمان که می‌رود تا تحول اساسی در شئون حرفه به وجود آید چاپ چنین مقاله‌هایی می‌تواند حرفه را از رخوت چند ساله خارج سازد و پویایی لازم را به آن تزریق نماید.

همان‌گونه که انتظار می‌رفت چاپ این مقاله جرعه‌ی لازم را برای روشن کردن موتور سال‌ها خاموش گفتمان حرفه‌ای، ایجاد کرد و در پاسخ به آن دو مقاله از سوی آقایان جواد صفار^۲ و

مع الفارغی است. سوال اساسی اینجاست که چرا باید این خلاء را به وجود آورد و در صورت ایجاد فهری چرا باید به حفظ آن اصرار کرد. ضرورت‌های یکی دوساله‌ی پس از انقلاب شاید ایجاب می‌کرد تا موسسات حسابرسی خصوصی از بین بروند و به جای آنها یک موسسه‌ی عظیم دولتی ایجاد شود. ولی استمرار این نگرش تا بیست و چند سال پس از پیروزی انقلاب نمی‌تواند قابل توجه باشد.

گفتم شاید، زیرا بسیاری به حق معتقدند که حرفه‌ی نوپای حسابرسی در قیاس با سایر نهادهای مملکتی در زمان انقلاب اسلامی در مجموع از پاکیزگی نسبی برخوردار بود و تداوم وجود آن می‌توانست جلوی بسیاری از سوءاستفاده‌ها، سوء جریان‌ها و سوء مدیریت‌های بعدی را سد کند. به هر حال وقایع زمان انقلاب را نمی‌توان فقط با منطق مورد قضاوت قرار داد.

در مقاله‌ی دوست بزرگوارم جناب آقای نعمت‌پژوه ظلمی به نویسنده‌ی مقاله‌ی "بازخوانی اولین گام" رفته است که باید از وی دفاع کنم. آقای نعمت‌پژوه می‌گویند "و اما در رابطه با کشف عجیب و محیرالعقول ایشان که سازمان و ارکان آن مجاز به تدوین و لازم‌الاجرا کردن استانداردهای حسابرسی نیستند، ضمن این که این کشف جدید با اعتقاد و استنباط‌های اکثریت قریب به اتفاق اعضای جامعه ایران انطباق ندارد."^۴

برای استحضار این دوست عزیز عرض می‌کنم که کشف‌ها همواره محیرالعقول و عجیب‌اند و با اعتقاد و استنباط بقیه‌ی اعضای جامعه انطباق ندارند و به همین دلیل به آن کشف می‌گویند. اگر قرار باشد مطرح‌کننده هر نظریه‌ی جدید را چنین تکفیر کنیم حداقل زیان آن است که جامعه‌ی خود را از پیشرفت باز می‌داریم. این کشف که برپایه‌ی اساسنامه‌ی یک سازمان دولتی، هر چند که قانونی باشد، نمی‌توان حکم قانونی برای کل جامعه صادر کرد کشفی است که حداقل جای تامل دارد.

و اما هدف من از نگارش این مطلب بیش‌تر مربوط به دفاع از مظلومیت انجمن است. از محقق برجسته‌ای مانند جناب آقای نعمت‌پژوه انتظار می‌رود که وقتی در مورد موضوعی به قضاوت می‌نشیند در مورد مساله کاملاً تحقیق کرده باشند. این که ایشان سابقه‌ی انجمن را به حدود ۲۰ سال تقلیل داده‌اند جای گلایه ندارد، گلایه از این است که می‌فرمایند "انجمن" در طول ۲۰ سال گذشته به جز کوشش اندک آن هم در ابتدای کار (که به تنظیم و انتشار یک مورد پیش‌نویس یک استاندارد حسابداری دست یازید که متن نهایی آن تاکنون هم منتشر نشده است) عملاً اقدام مشرثمر و قابل عرضه‌ای انجام نداده است. البته موضوع خواستن یا نتوانستن آن مطرح نیست بلکه آن چه که مهم است نتیجه عمل است که در آن شواهد موجود نشان‌دهنده فعالیت اثربخشی نمی‌باشد.^۵

در پاسخ به این قسمت از مقاله‌ی این دوست عزیز ناچارم حقایقی را بازگویم:

۱- انجمن از اواسط دهه‌ی ۶۰ با تمام گرفتاری‌ها و بضاعت

اندک مالی در زمان ریاست آقای جواهری اقدام به انتشار تعدادی (و نه یک) استاندارد حسابداری و مجموعه‌ی ضوابط آئین رفتار حرفه‌ای کرد که متأسفانه عده‌ای از مدیران سازمان حسابرسی این اقدام را برناتفتند و تا آن جا پیش رفتند که تقاضای انحلال انجمن را به مراجع ذی‌ربط ارائه کردند. نگارنده به اتفاق دو نفر دیگر از اعضای شورای عالی انجمن در بحبوحه‌ی موشک باران دشمن یعنی به اداره‌ی سوم وزارت کشور فراخوانده شدیم و در آن جا به صراحت مساله‌ی انحلال انجمن مطرح شد و نهایتاً قبول کردند تا با توقف انتشار بیانیه‌های حرفه‌ای و حذف قسمتی از اساسنامه‌ی انجمن که مربوط به تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی است، اجازه‌ی ادامه‌ی فعالیت غیراثربخش را به انجمن بدهند. اگر جناب نعمت‌پژوه به علت آن تاکنون که انجمن به خاطر جلوگیری از دو دستی در حرفه مبادرت به انتشار این خبر نکرده است، از این موضوع اطلاعی ندارد ایرادی به ایشان نیست ولی باید چاپ اطلاعاتی مهم وزارت امور اقتصادی و دارایی در جراید کثیرالانتشار آن زمان را بیاد بیاورند. در آن اطلاعیه آمده بود که "اخیراً انجمنی به نام انجمن حسابداران خبره..... غلط‌های اضافی کرده است".

۲- جناب نعمت‌پژوه به عنوان یک عضو حرفه که به حق از ظلم به خود و همکاران خود متأثر می‌شوند نباید خود مرتکب بی‌عدالتی شوند، وقتی می‌فرمایند "انجمن" عملاً اقدام مشرثمر و قابل عرضه‌ای انجام نداده است "قطعاً در حق انجمن که طی این مدت ده‌ها همایش سراسری و تخصصی حسابداری مالی و حسابداری مدیریتی برگزار کرده است، مجله‌ی حسابدار را که سال‌ها تنها ارگان حرفه‌ی حسابداری در ایران بود، به‌طور مستمر انتشار داده است، حرفه را در جامعه مطرح کرده و شان و جایگاه واقعی آن را نشان داده و از همه مهم‌تر نزدیک به ۲۵۰۰ نفر از اهل حرفه (شامل تعداد زیادی از مدیران و حسابرسان سازمان حسابرسی) را گرد هم آورده است، این‌گونه قضاوت نمی‌کرد.

جناب نعمت‌پژوه حتماً از این خدمات خبر داشته‌اند زیرا به‌طور قطع مجله‌ی حسابدار را خوانده‌اند که به آن پاسخ گفته‌اند. حداقل در یکی از همایش‌های انجمن که سال گذشته برگزار شد مقاله ارائه کرده‌اند و شاهد حضور و سخنرانی همکاران و صاحب‌نظران سازمان حسابرسی در اکثر سمینارهای انجمن بوده‌اند و اطلاع دارند که بسیاری از همکارانشان با افتخار عضویت انجمن را پذیرفته‌اند.

۳- جناب نعمت‌پژوه به عنوان یک حسابدار خبره باید در مورد به‌کارگیری جملات کمی بیش‌تر دقت فرمایند. وقتی راجع به عدم اثربخشی فعالیت‌های انجمن صحبت می‌کنند (و حتماً معتقدند که فعالیت سازمان در امر تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی اثربخش بوده است) باید اندکی تامل کنند. اگر فقط به معنی لغوی "اثربخشی" توجه کنیم هر فعالیتی اثربخش است حتی دستی را که در هوا بیهوده تکان می‌دهیم این

این محل بیش از ۱۲۰ میلیارد ریال خواهد بود. مگر گسترش بورس مستلزم استانداردگذاری در زمینه‌ی گزارشگری مالی و حسابرسی نیست؟ پس چرا تاکنون سازمان بورس یک ریال از این بابت خرج نکرده است. حتی یک بار که از آن‌ها خواسته شد مشترکاً در کنفرانس ادینبورو که مختص حسابداری و بازار سرمایه بود و توسط کنفدراسیون بین‌المللی حسابداری برگزار می‌شد شرکت کنند و از نتایج آن برای برگزاری سمینار مشترکی استفاده شود، به دلیل بالا بودن هزینه‌ی مسافرت از انجام این وظیفه‌ی ملی شانه خالی کردند، علت چیست؟ از نظر نگارنده ارتزاق بورس دولتی از استانداردهای تدوین شده توسط موسسه‌ی حسابرسی دولتی برای خرید و فروش سهام دولتی و برای نمایش نزد مقامات دولتی پاسخ این سوال است و بس!

۵- جناب نعمت‌پژوه نتیجه‌ی جالبی از مقاله خود گرفته‌اند و آن این که "و این خود می‌تواند بیانگر این باشد که اساساً ایراد قابل طرحی در متن این استانداردها وجود ندارد که اگر داشت با شدت تمام در بوق و کرنا می‌شد" هیچ کس به اندازه‌ی خود سازمان نمی‌داند که در استانداردهای تدوین شده ایراد قابل طرح وجود دارد ولی حداقل انجمن در شرایط فعلی به‌خاطر جلوگیری از تشتت در حرفه از مطرح کردن آن خودداری کرده است. زیرا معتقدیم که فقط دیکته‌ی نانوشتۀ غلط ندارد.

لازم است یادآور شوم که در بین همکاران انجمن کسی اهل بوق و کرنا نیست و اگر هم باشند در انجمن نمی‌توانند از این سازها استفاده کنند.

۶- بالاخره این که نمی‌توان استانداردهای حسابداری و حسابرسی را با بهای تمام شده‌ی هنگفت به جامعه‌ی بی‌امکانات عرضه کرد و از صاحب‌نظران خواست که مجانی دو برابر وقتی را که برای تدوینشان مصروف شده است صرف نقادی آنها کنند. اگر می‌بینیم که در کشورهای غربی چنین می‌شود علت آن است که هر یک از موسسات حسابرسی خصوصی با درآمد چند میلیارد دلاری سالیانه مبالغی را فقط به این کار اختصاص می‌دهند، نمی‌شود موسسات حسابرسی خصوصی را تعطیل کرد و در کار تنها نهاد حرفه‌ای مدنی کارشکنی کرد و از حداقل حمایت مادی و معنوی (عضویت در آن) خودداری نمود و آن‌گاه انتظار داشت که حرفه‌پا به پای سازمانی با پشتوانه‌ی قانونی و دولتی و درآمد چندین میلیاردی حرکت کند. آیا چنین خواسته‌ای محیرالعقول نیست؟

پی‌نوشت

- ۱- تالانه، عبدالرضا، "بازخوانی اولین گام، مجله‌ی حسابدارشماره ۱۴۹، ص. ۱۲
- ۲- صفار، جواد، "نگاهی به اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی"، مجله‌ی حسابدار، شماره‌ی ۱۵۰، ص. ۱۰
- ۳- نعمت‌پژوه، ابراهیم، "در متن نه در حاشیه"، مجله‌ی حسابدار، شماره‌ی ۱۵۰، ص. ۱۳
- ۴- نعمت‌پژوه، ابراهیم، "در متن نه در حاشیه"، مجله‌ی حسابدار، شماره‌ی ۱۵۰، ص. ۱۴
- ۵- همان، ص. ۱۵
- ۶- همان، ص. ۱۵

اثر را دارد که قسمتی از هوا را جابه‌جا می‌کند ولی اگر منظور از اثربخشی در مفهوم اقتصادی آن است، آن‌گاه برای این که بدانیم یک فعالیت اثربخش است یا خیر اولین پرسش این است که آیا فایده‌ای که برای رسیدن به هدف آن فعالیت به دست آمده بیش از هزینه‌های انجامش است یا خیر.

به‌طور قطع و یقین قبل از سال ۱۳۶۷ اصول و استانداردهای حسابداری و حسابرسی در ایران وجود داشته است و دلیل آن هم وجود هزاران گزارش حسابرسی سازمان حسابرسی و موسسات سلف آن می‌باشد که در آن به صراحت از اصول و حتی در مواردی از استانداردهای حسابداری و حسابرسی اسم برده شده است. بنابراین تلاش ۱۵ ساله‌ی سازمان را باید تحصیل حاصل دانست ولی ما چنین قضاوتی نمی‌کنیم و معتقدیم که کشور به استانداردهای مدون، روشن و نقادی شده‌ی حسابداری و حسابرسی نیاز داشته و دارد و با تدوین آن کار عظیمی در کشور به‌وقوع پیوسته است. در مقابل نمی‌توان از هزینه‌های سنگین که از بودجه‌ی مملکت طی سال‌های ۶۷ تاکنون صرف پدیده‌ای به‌نام "چارچوب نظری حسابداری" شده است چشم‌پوشی کرد. اگر شجاعت آن دسته از مدیران سازمان و همت آقای حمیدی راوری که پیش زمینه‌های تدوین استانداردهایی را مهیا ساختند وجود نداشت معلوم نبود که تا چند سال دیگر باید منتظر این استانداردها می‌بودیم، هر چند که نهایتاً این استانداردها نه توسط متولیان اصلی آن بلکه به‌دست کسانی که هیچ‌گاه ادعای این مهم را نداشتند تهیه و به جریان گذاشته شد. این که می‌گویم از بودجه‌ی مملکت به دلیل آن است که هزینه‌ی تمام شده این استانداردها از محل مازاد درآمد بر هزینه‌ی سازمان حسابرسی که می‌توانست به خزانه‌ی دولت واریز شود، پرداخت شده است. حال آیا انصاف است که انجمن را که در اوج تلاش‌های خود در سال مالی گذشته فقط ۴۶۸۰۰۰۰۰۰ ریال عایدی ناخالص داشته به عدم اثربخشی فعالیت‌هایش محکوم کنیم.

۴- هم جناب آقای صفار و هم جناب آقای نعمت‌پژوه در مطالب خود، جامعه‌ی حسابداران رسمی را تا زمان تامین امکانات مالی از تلاش برای در دست گرفتن کار تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی برحذر داشته‌اند صرف نظر از این که این بزرگواران در آینده نیز جایگاهی برای انجمن قابل نشده‌اند، جامعه را نیز به زمان تامین منابع مالی لازم حواله کرده‌اند.

سوال این جا است که چرا دولت همان بودجه‌ی سازمان حسابرسی برای تدوین استانداردها و خیلی کم‌تر از آن را به مجامع حرفه‌ای دیگر اختصاص نمی‌دهد. مگر در کجای دنیا این بودجه توسط خود مجامع حرفه‌ای تامین شده که در ایران چنین انتظاری است. سال‌ها است که بورس اوراق بهادار ۵/۰ درصد از معاملات انجام شده (یعنی به اندازه‌ی کل مالیات معاملات بورس) در این بازار را به منظور انجام پروژه‌های گسترش بورس دریافت می‌کند که طبق پیش‌بینی‌ها درآمد سال ۱۳۸۱ بورس از